

ضرورت الزامات فرهنگی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

محمدعلی کی نژاد^۱

آزیتا بلالی اسکویی*^۲

چکیده:

مقام معظم رهبری، دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نامیده اند و در راستای آن، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را مطرح نموده اند. فرهنگ یکی از حوزه های تاثیر گذار در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که بایستی در بحث اجرایی نمودن این الگو نیز به عنوان یک الزام اساسی مدنظر قرار گیرد. در این راستا مهندسی فرهنگی یکی از راهبردهای مهم در راستای مدیریت فرهنگ برای پیشرفت است که همواره مورد تاکید رهبری بوده است. پیوست فرهنگی حامل پیام های مهمی است که می تواند ایده های الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی را جامه عمل پوشانده و در جهت تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب بستر سازی مناسبی برای سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای اهداف الگوی پیشرفت و تمدن نوین اسلامی را ایجاد نماید. با گفتمان سازی فرهنگ اسلامی ایرانی و الگوی پیشرفت در جامعه بایستی الزامات اجرایی را در این سند مهم در جهت بومی سازی و اسلامی نمودن آن در نهایت ذیل الزامات فرهنگی بستر سازی و تحقق داد تا انشاءالله به ام القری و تمدن رسول اللهی که مدنظر بنیان گذار انقلاب امام راحل می باشد، نایل آییم.

کلیدواژه ها: الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، الزامات فرهنگی، پیوست فرهنگی

۱- مقدمه

«اگر ما روی فرهنگ عمومی کار نکنیم، در توسعه ی اقتصادی هم خواهیم ماند. این تازه در صورتی است که ما محور را توسعه ی اقتصادی بگیریم. البته در جامعه اسلامی، محور این نیست، توسعه اقتصادی وسیله است. به هر حال از هر طرف که حرکت کنیم می بینیم که به فرهنگ می رسیم و راهها واقعاً به فرهنگ ختم می شود و برای فرهنگ باید کار کرد.» (بیانات مقام معظم رهبری ۶۹/۹/۱۹)

^۱ . استاد دانشکده عمران دانشگاه صنعتی سهند ma_kaynejad@tabriziau.ac.ir

^۲ . دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز- نویسنده مسئول a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

بررسی و تامل بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری اهمیت بایسته‌ها و الزامات فرهنگی را در تمام زمینه‌ها و به ویژه در تبیین الگوهای اجرایی سند اسلامی - ایرانی پیشرفت بیش از پیش نمایان می‌سازد. در عملیاتی کردن این الگو باید به برخی از جنبه‌ها توجه کرد که توسط صاحب نظران ایرانی طراحی شود و برگرفته از بطن نیازهای بومی و متناسب با ارزش‌های اسلامی باشد. برنامه ریزی برای پیشرفت باید به ابعاد مادی و معنوی به صورت عمیق و متناسب با رهنمودهای رهبری توجه نماید و لذا جنبه‌های فرهنگ اسلامی ایرانی را عمیقا در بطن این برنامه ریزی‌ها مد نظر قرار دهد که در مقاله حاضر اهمیت این موضوع مد نظر قرار دارد.

۲- پیشینه تحقیق

اصلی‌ترین منبع و مرجع در راستای مباحث مرتبط با الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی و الزامات اجرایی آن بیانات عالمانه مقام معظم رهبری است که به روشنی مسیر را ترسیم می‌نماید. مطالعات متعدد و ارزشمند دیگری در این راستا صورت پذیرفته است که پاره‌ای از آنها به شرح زیر می‌باشد:

علی احمدی (۱۳۹۰) پیش‌طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را در قالب کتابی منتشر نموده است. شورای راهبردی پیشرفت اسلامی (۱۳۹۰) سندی تحت عنوان «نقشه راه تولید الگوی اسلامی پیشرفت» را ارائه نموده است. رشاد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای ۹ گام تا الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی بر مبنای مبانی معرفتی و ارزشی را ارائه نموده است. نظرنیا (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به ضرورت استراتژی مدیریت فرهنگی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت پرداخته و قری (۱۳۹۲) در مورد بایسته‌های فرهنگی پیشرفت مقاله‌ای ارائه نموده است. با توجه به اهمیت مباحث فرهنگی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش پیوست فرهنگی در این الگو بررسی ضرورت و الزامات فرهنگی در تحقق پذیری الگو اهمیت داشته و نیازمند مطالعات عمیق‌تری می‌باشد.

۳- سوال و روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی تحلیلی با هدف بررسی نقش الزامات فرهنگی در تبیین بایسته‌های اجرایی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی به دنبال پاسخ به دو سوال زیر می‌باشد که ۱- الزامات فرهنگی موثر در اجرای الگو ۲- اهم

زمینه ها و شرایطی که برای تحقق الگوی پیشرفت از منظر فرهنگی مورد توجه باید قرار گیرد کدامند، می پردازد و انشاءالله با تبیین عمیق تر این موضوع در پژوهش های آتی یا توسط پژوهشگران عزیز کشورمان شاهد تحقق افق های نوینی در تحقق پذیری الگوی ارزشمند حاضر باشیم.

۴- ترکیب شناسی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

با بررسی ابعاد چهارگانه این اصطلاح، به درستی می توان به ماهیت این الگو دست یافت. «الگو، اسلامی، ایرانی و پیشرفت» چهار واژه اساسی این ترکیب هستند که به شکل زیر قابل شناخت و بررسی می باشند.

۴-۱- مفهوم شناسی الگو :

یک مدل یا الگو، معرفی یا تشریح است که برای نشان هدف اصلی یا کارکردی یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است. مدل ها می توانند دو نوع کارکرد توضیحی را که به شکل اساسی متفاوتند انجام دهند: از یک سو یک مدل می تواند توضیحی از یک بخش انتخاب شده از جهان باشد و بسته به طبیعت هدف، اینگونه مدل ها، یا مدل های پدیده ها هستند یا مدل های داده ها. از سوی دیگر یک مدل می تواند یک نظریه را توضیح دهد، از این جهت که قوانین و اصول موضوع آن را تفسیر کند. این دو می توانند در کنار هم نیز باشند؛ زیرا مدل های علمی می توانند هر دو کارکرد را در یک زمان داشته باشند. بدیهی است این مفهوم از الگو یا مدل نمی تواند در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مقصود باشد زیرا این الگو برای توصیف و تبیین وضع موجود در ایران نیست بلکه برای تغییر و اصلاح آن است. آنچه تناسب بیشتری با الگوی پیشرفت دارد، مدل های نظریه ای است زیرا ما نیز درصدد تبیین یک نظریه هستیم با این تفاوت که نظریه اسلامی-ایرانی پیشرفت به تبیین یک واقعیت یا پدیده و سیستم خارجی نمی پردازد، بلکه اهداف و راهبردهای پیشرفت بر اساس احکام و آموزه های اسلامی و مطابق با شرایط ایران را تبیین می کند. الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، یک الگوی نظریه با کارکرد هنجاری است؛ یعنی ساختاری است که به توضیح نظریه اسلامی-ایرانی پیشرفت، که باید ایجاد شود، می پردازد. این الگو می تواند به زبان ریاضی یا منطقی ارائه شود و لازم است که در آن از روش های علم امروز برای توضیح امور پیچیده استفاده شود. این روش ها از قبیل تجرید، ساده سازی و توجه به عوامل مهم و طبقه بندی و تقسیم امور و مانند

آن است. نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت به صورت و تجربه است و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هر ساختار است که به تفسیر این نظریه می پردازد به گونه ای که همه جملات نظریه در آن صدق کند و صحیح باشد. (میرمعزی، ۱۳۹۰: ۶۲)

۴-۲- مفهوم شناسی اسلام:

واژه اسلامی در بدنه این ترکیب به این معنا است که مبانی نظری، فلسفی و انسان شناختی اسلامی بر این الگو تاثیر گذار است و اسلام و آموزه های آن یکی از ارکان اصلی آن محسوب می شود. (علی احمدی، ۱۳۹۰).
مقام معظم رهبری در باب اسلامی بودن الگو می فرماید: «این الگو مبتنی بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان شناختی اسلام استوار است. به عبارت دیگر غایات، اهداف، ارزش ها و شیوه های کار همه از اسلام مایه خواهد گرفت. یعنی تکیه ی ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار «ما به این است که می توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم... بنابراین اسلامی همه به این معنا است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۰/۹/۸۹) لذا مبانی اسلامی نه تنها در تبیین مفاهیم الگو بلکه در راستای اجرایی کردن و الزامات آن نیز نقش اساسی و مهمی دارد.

۴-۳- مفهوم شناسی ایرانی:

ایران به عنوان یک کشور دارای سرزمینی پهناور، با تاریخی کهن و مردمی با ضریب هوشی بالاتر از میانگین جهانی، از نظر جغرافیایی دارای آب و هوایی متنوع و با دو دریای شمال و جنوب، برخوردار از ذخایر عظیم گاز و نفت، از نظر انسانی دارای زبان مستقل، با سابقه ی طولانی در تاثیرگذاری بر فرهنگ و زبان منطقه ای وسیع از خاورمیانه و شبه قاره هند است. طراحان این الگو باید این ویژگی ها را در الگو مدنظر قرار دهند، از این رو الگو بومی می شود. به علاوه طراحان الگو ایرانی هستند. هر ملتی بخواهد از این الگو سرمشق بگیرد، باید ویژگی های جغرافیایی، انسانی، سیاسی، اقتصادی فرهنگی و فرصت ها و تهدیدهای خود را در اصلاح الگو مدنظر قرار دهد. از واژه ایرانی نباید برداشت نادرست کرد و آن را به معنای مکتب تلقی کرد، زیرا اولاً با اسلام ناب محمدی (ص) که

شعار امام رضوان الله علیه بوده ناسازگاری جدی دارد و نوعی التقاط تلقی می‌شود. ثانیاً چنین برداشتی موجب جدایی انقلاب اسلامی از سایر ملت‌های جهان اسلام است. (قربی، ۱۳۹۲)

۴-۴- مفهوم شناسی پیشرفت:

پیشرفت عبارت است از؛ فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت موجود، تبیین وضعیت مطلوب، راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب. (مشکات، ۱۳۹۰: ۲۱۶)

مقام معظم رهبری در تفاوت و تمایز واژه پیشرفت با توسعه غربی می‌فرماید: «نکته‌ی اول این است که وقتی ما می‌گوئیم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. امروز توسعه در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوئیم با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که توسعه در نظام واژگانی امروز غرب نبایستی اشتباه شود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی با همان مختصات و با همان شاخص‌ها نیست.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۷) لذا در این الگو پیشرفت بومی و اسلامی مد نظر رهبری می‌باشد.

۵- مفهوم الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

الگوهای رایج توسعه از لحاظ مبانی عمدتاً بر پایه اومانیسیم و اصول غیر الهی هستند. مهم، لزوم بازشناسی الگوی پیشرفت است؛ بنابراین می‌بایست الگوی پیشرفت بومی خود را متکی بر مبانی اسلامی و فرهنگ ایرانی تعریف و ارائه کنیم. تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است. به عبارت دیگر مبانی اسلام (سنت و منابع شریعت) اساس کار در طراحی این الگو می‌باشد؛ و در تمامی مراحل، این مبانی باید به صورت جامع و دقیق مد نظر قرار گیرد. فلذا لازمه این موضوع تحقیقات اسلامی، ارتباط وثیق و پیوسته با فضاهاى تفکر و نیز رسوخ آن در میان نخبگان و گفتمان‌سازی در جامعه می‌باشد.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، شریعت اسلامی به واسطه منابع اساسی خود اصول مشخصی را وضع نموده است که در راستای نیل به اهداف نهایی اسلام و نیز تسهیل و نظم بخشی به زندگی مسلمانان وجود آنها ضروری

می باشد. این اصول که در یک چهارچوب و ساختار اجتماعی منسجم ادغام گردیده اند؛ در قالب یک سری ارزش (مَنیش) نمایان شده اند. اما این ارزش ها بایستی به گونه ای عملی در زندگی مسلمانان پیاده گردد (کُنیش)، تا بتواند آن گونه که شایسته است بر روش حیات مسلمانان اثر بگذارد.

به عبارت دیگر، قرآن و سنت حاوی گزاره های ارزشی است که می تواند مجموعه ای از مَنیش ها را، به عنوان راهنما و چارچوب برای سبک زندگی، در اختیار مسلمانان قرار دهد. اسلام مَنیش زندگی را بیان می دارد. مَنیشی که از اصول و بنیان های اسلامی به دست می آید. این مَنیش ها به عنوان شیوه ی زندگی مطرح می گردد و اصولی را جهت زندگی فرد مسلمان و روابط وی با محیط اجتماعی و مادی و به عبارت دیگر شیوه ی زندگی مسلمانان را تعیین می نماید. (اسکویی ونظری، ۱۳۹۸)

۶- الزامات الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت:

الگوی پیشرفت که برگرفته از دیدگاه اسلام است به منظور اجرایی شدن، نیازمند الزامات و ضرورت هایی است که در این قسمت به برخی از آنها اشاره می شود:

الزامات اسناد فرداست: الگو باید هم راستا با اسناد فرادست کشور مانند قانون اساسی، سند بیست ساله چشم انداز کشور، بیانیه گام دوم انقلاب و غیره باشد.

الزامات سیاسی: ارتباط الگوی پیشرفت با نظام سیاسی با مشارکت مردم در فعالیت ها، جایگاه و سطح مشارکت مردم در فعالیت های سیاسی قابل بررسی و تدوین می باشد.

الزامات نهادی: طراحی نهادهای تسهیل کننده فعالیت های اقتصادی مانند نهاد دولت، بازار و قانون.

الزامات اقتصادی: طراحی نظام انگیزشی فعالیت های اقتصادی از طریق تسهیل فعالیت ها و تشویق کار آفرینی. (قربی، ۱۳۹۲)

الزامات علمی: طراحی نظام خلاقانه علم و دانش، نوآوری و به کارگیری آن در عرصه فعالیت های علمی و تولیدی.

الزامات اجتماعی: تقویت روابط جتماعی، روابط خانوادگی و نهادها یا اجتماع های مذهبی و اسلامی ایرانی.

الزامات فرهنگی: تبیین و ارتقا جایگاه فرهنگی نظیر باورها، آداب و سنن اسلامی - ایرانی و غیره.

الزامات فناورانه: تبیین اصول فناورانه مرتبط با مبانی اسلامی و بومی در راستای اهداف الگو.

الزامات نیروی انسانی کارآمد و نخبه: بهره گیری از سرمایه نیروهای انسانی نخبه در راستای اجرایی کردن

الگو

۷- مدیریت فرهنگی کشور از الزامات اساسی اجرایی نمودن الگوی پیشرفت اسلامی ایران

مقام معظم رهبری در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی و ویژگی های مدیریت فرهنگی را به شرح زیر

بیان فرمودند:

۷-۱- مهندسی فرهنگ کشور؛

یکی از مهمترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ کشور است؛ یعنی مشخص کنیم فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون زا و صیوروت بخش و کیفیت بخشی که فرهنگ نام دارد و در درون انسان ها و جامعه بوجود می آید، چگونه باید باشد؛ اشکالات و نواقص اش چیست و چگونه باید رفع شود؛ کندی ها و تعارضاتش کجاست؟ مجموعه ای لازم است که اینها را تصویر کند و بعد مثل دست محافظی، هوای این فرهنگ را داشته باشد. نمی گویم به طور کامل کنترل کند؛ چون کنترل فرهنگ به صورت کامل نه ممکن است، نه جایز؛ چرا که رشد فرهنگی با ابتکار و آزادی همراه است؛ در این تردیدی نیست؛ منتهی هوای کار را باید داشت. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳)

۷-۲- نگاه معقول اسلامی در مدیریت فرهنگ؛

ما نمی خواهیم بانگاه افراطی به مقوله فرهنگ نگاه کنیم؛ باید نگاه معقول اسلامی راملاک قرارداد و نوع برخورد با آن را برطبق ضوابطی که معارف والگوهای اسلامی به ما نشان می دهد، تنظیم کرد. برخورد افراطی، ازدو سو امکان پذیراست و تصوری شود: یکی از این طرف که ماقوله فرهنگ رامقوله ای غیرقابل اداره و غیرقابل مدیریت بدانیم؛ مقوله ای رها و خود روکه نباید سربه سرش گذاشت و وارد آن شد وبا این منطق که با فرهنگ مردم نمی شود مردم را درزمینه مسائل فرهنگی پیش برد، مقوله فرهنگ عمومی مردم و رشد

فرهنگی آنها را رهاکرد، که متأسفانه این تفکر در جاهایی هست و عده‌ای طرفدار رها کردن و بی‌اعتنایی وبی نظارتی در امر فرهنگ هستند. این تفکر، تفکر درستی نیست و افراطی است. درمقابل آن تفکر افراطی دیگری وجود دارد که سخت‌گیری خشن و نظارت کنترل آمیز بسیار دقیق - چه در زمینه فرهنگ عمومی، چه حتی در زمینه مسائل و اخلاق شخصی؛ قالب‌گیری کردن و قالب‌ها را تحمل کردن - راترویج می‌کند. این تفکر هم به همان اندازه غلط است. نه می‌شود فرهنگ را در جامعه رهاکرد که هرچه پیش آمد، پیش بیاید، نه می‌شود آن طور سخت‌گیری‌های غلطی را که نه ممکن است و نه مفید، الگو قرارداد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳)

۷-۳- رفتار دلسوزانه حکومت در مقوله فرهنگ؛

در مقوله فرهنگ، رفتار حکومت باید دلسوزانه و مثل رفتار باغبان باشد. باغبان بهنگام نهال می‌کارد، بهنگام آبیاری می‌کند، بهنگام هرس می‌کند، بهنگام سمپاشی می‌کند و بهنگام هم میوه چینی. باید فضای فرهنگی کشور را باغبانی کرد؛ یعنی مسئولانه و با دقت این مقوله را دنبال کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳)

۷-۴- امکان تغییر و مدیریت فرهنگی؛

فرهنگ یک ملت، منشا عمده تحولات است. بلاشک عوامل گوناگونی روی فرهنگ ملت اثر می‌گذارد - یعنی این تاثیر، دوجانبه است - اما عاملی که یک ملت را به رکود و خمودی، یا تحرک و ایستادگی، یا صبر و حوصله، یا پرخاشگری و بی‌حوصلگی، یا اظهارات ذلت در مقابل دیگران، یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران، به تحرک و فعالیت تولیدی یا به بیکارگی و خمودی تحریک می‌کند، یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران، فرهنگ ملی است. فرهنگ - با همین تعریف ویژه - محصول تعریف جمعی از یک جامعه است و خودش موثر در همه حرکات و تحولات و تشکیل دهنده هویت یک جامعه است. البته فرهنگ ملی را می‌شود به مرور در طول زمان تغییر داد؛ یعنی مثل کوه‌های عالم که در طول قرن‌های متمادی جابه‌جانی شوند، جزء ثوابت نیست. فرهنگ یک ملت را می‌شود با عوامل تأثیرگذار به تدریج عوض کرد؛ یک ملت عزیز را می‌توان از لحاظ فرهنگی تبدیل کرد به یک ملت توسری خور و ضعیف؛ متقابلاً یک ملت تنبل را می‌شود تبدیل کرد به یک ملت زرنگ؛ این رنگ ثابت لایزالی و لایزولی نیست. (مقام معظم رهبری ۱۳۸۳) (نظرنیا، ۱۳۹۲)

۸- الزامات فرهنگی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

مفهوم تأثیر فرهنگی به پیامدهای هر نوع اقدام یا سیاست جمعی یا خصوصی افراد انسانی گفته می شود که تا اندازه زیادی گفته می شود که تا اندازه زیادی بر ارزش ها، هنجارها، باورها، کردارها، نهادها، سبک زندگی، کار، جامعه پذیری و سازماندهی آن ها می گذارد و قابل ارزیابی می باشد.

هدف اصلی ارزیابی تأثیر فرهنگی عبارت است از:

- ۱- شناخت منابع فرهنگی و تاریخی ارزشمند و مهم
- ۲- شناخت هویت و دامنه منابع فرهنگی و تاریخی ارزشمند و مهم
- ۳- ارائه راهکاری مناسب برای جلوگیری از ایجاد تغییرات نامناسب فرهنگی و حفظ تنوع فرهنگی پیوست فرهنگی در راستای عملیاتی شدن مطالب ذکر شده در واقع مجرای است که از طریق آن، پیشرفت کشور بدون آسیب به هویت فرهنگی و بومی و بدون تغییر ارزش های فرهنگی و دینی انجام می شود. (قادری، ۱۳۹۲: ۹۰)

برخی زمینه ها و شرایطی که برای تحقق الگوی پیشرفت از منظر فرهنگی مورد توجه باید قرار گیرد عبارتند

از:

- ترویج معرفت شناسی اسلامی
- گسترش خود باوری و اعتماد نفس
- احیای ارزش های اسلامی
- ترویج فرهنگ کار جهادی
- ارتقای روحیه مسیولیت پذیری
- ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی
- ترویج فرهنگ صحیح مصرف و پرهیز از تجمل گرایی
- بهره گیری از سرمایه اجتماعی و فرهنگی نخبگان کشور

- گفتمان سازی فرهنگ اسلامی ایرانی و الگوی پیشرفت در جامعه
- هم راستایی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی با بیانیه گام دوم انقلاب و

۹- نتیجه گیری

الگوی پیشرفت، الگوی تئوری است؛ یعنی مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردهاست که در ساختاری منطقی وضعیت موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین و راهبرد حرکت از وضعیت موجود، به مطلوب را ارائه دهد. این الگو در بخش تحلیل وضعیت موجود نوعی الگوی توصیفی و در بخش ارائه وضعیت مطلوب و راهبردها یک الگوی هنجاری است. مقام معظم رهبری معتقد است که پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، الگوی واحدی ندارد؛ پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون (شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی) در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین، یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه اجزای آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما (با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما) الگوی ویژه خود را دارد؛ باید جست‌وجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه‌های دیگر به درد ما نمی‌خورد؛ چه نسخه پیشرفت امریکایی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای غربی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای شمالی (کشورهای اسکانندیناوی که آنها یک نوع دیگری هستند) هیچ کدام از اینها، برای پیشرفت کشور ما نمی‌تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم (رشکیانی، ۱۳۹۳: ۳۹-۴۰).

بنابراین طبق نظر رهبر انقلاب اسلامی، باید در هر زمینه، بایستی الگوی بومی پیشرفت را متناسب با شرایط کشور پیدا کرد. وجود پیشرفت در سطوح گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مربوط به گسترش

فرهنگ و البته با توجه به تاکید مقام معظم رهبری فرهنگ اسلامی ایرانی است که بر میزان تلاش و همت می‌افزاید و پیشرفت همه جانبه را در کشور را به ارمغان می‌آورد. مطالبات فرهنگی زیربنای مطالبات دیگر در جامعه محسوب می‌شود. براین اساس محوریت فرهنگ باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

و با توجه به سخنان مقام معظم رهبری اصلی‌ترین شاخص‌های پیوست فرهنگی که می‌تواند به عنوان الزامات الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی مدنظر قرار گیرد عبارتند از: رشد و بالندگی انسان، عدالت اجتماعی و اقتصادی، انتفاع انسانیت، ایجاد روابط انسانی، ایجاد دنیایی آباد و آزاد، ایجاد حکومت حق، معنویت‌گرایی که انشالله تدام بخش حیات طیبه در کشور عزیزمان گردد.

۱۰- فهرست مراجع:

- بیانات مقام معظم رهبری از سایت اطلاع‌رسانی رهبری
- بلالی اسکویی، آریتا و نظری، صادق (۱۳۹۹)، ارزش‌های طراحی مسکن از منظر اندیشه اسلامی (گامی در مسیر تبیین الگوی اسلامی ایرانی مسکن)، دو فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۸، بهار و تابستان، صص ۲۹۹-۳۴۵
- رشکیانی، مهدی (۱۳۹۳)، رسانه ملی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- علی احمدی، علیرضا (۱۳۹۰): پیش‌طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نشر تولید دانش، چاپ اول، تهران.
- علیپور شهرکی، علیرضا (۱۳۹۲): الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیش‌شرط ساخت تمدن نوین اسلامی، کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوره سوم.
- قادری، صلاح‌الدین (۱۳۹۲): «شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، صص ۱۰۷-۸۵.

- قریبی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۲): «بایسته‌های فرهنگی پیشرفت؛ بررسی الزامات فرهنگی در الگوی اسلامی-ایرانی

پیشرفت» همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوره دوم

-نظرنیا، محمود(۱۳۹۲):«ضرورت استراتژی مدیریت فرهنگی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» کنفرانس الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت، دوره دوم.

-میرزاد، محمد(۱۳۹۱): « مبانی و مولفه‌های پیشرفت اسلامی-ایرانی» همایش الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت،

دوره اول.

-میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۰): «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی سازی علوم انسانی»، الگوی

اسلامی ایرانی پیشرفت، جلد ۱، تهران، پیام عدالت.

